



یوسف حاتمی کیا از اولین تجربه کارگردانی اش به «ایران» گفته است  
«شب طلایی» جنبه‌های نمادین دارد ولی نه بارنگ و بوی سیاسی!

یوسف حاتمی کیا در اولین تجربه کارگردانی اش سراغ فیلمی با موضوع پیچیده، پربازنگر و پرتنش رفته است و ماجرای معمایی را در یک فضای بسته تعریف می‌کند. با یک اتفاق بین یک خانواده اصیل سنتی اختلافاتی می‌افتد و طی آن افراد خانواده در ورطه سوءظن و بدبینی قرار می‌گیرند. حاتمی کیا «شب طلایی» را به مادران این سرزمین تقدیم کرده است؛ فیلمی که در بخش‌هایی به تمرکز بر مادر خانواده که کانون عاطفی جمع است می‌رسد.

۲۳



نزدیکی مسیر، امنیت و امکانات مناسب مرزی ایلام را مهم‌ترین معبر زائران ائمه اطهار کرده است

## مهران؛ گذرگاه ۷۰ درصد زائران اربعین

امروزه ایلام و دیگر شهرها و روستاهای مسیر که به مهران ختم می‌شود مملو از زائرانی کاروانی و انفرادی است که با پلاک‌های مختلف و با عبور از گردنه‌های پیچاپیچ راهی عتبات عالیات می‌شوند. زائرانی که شور و شوق حسینی را در نگاه‌های تک تک آنها می‌توانی بیابی، پیرو جوان و نوجوان و...

سوزان

۱۶

«ایران» از جزئیات تزریق واکسن آنفلوانزا همزمان با شروع زمان طلایی تزریق واکسن کرونا برای گروه‌های پرخطر گزارش می‌دهد

## توزیع یک میلیون دوز واکسن آنفلوانزای ایرانی در کشور

۲۲

آیت‌الله رئیسی در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا:

### ثبت نام زوار اربعین در سامانه «سماح» ضروری است

رئیس جمهور «تزریق دوز یادآور» و «کنترل مبادی ورودی کشور» را دو موضوع مهم برای مقابله با ویروس کرونا در شهریورماه اعلام کرد و گفت: با توجه به تردد زائران اربعین و افزایش مسافرت‌ها در روزهای پایانی تابستان لازم است همه مردم شیوه‌نامه‌های بهداشتی را با جدیت رعایت کنند. آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی روز شنبه در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا «تزریق دوز یادآور» و «کنترل مبادی ورودی کشور» را دو موضوع مهم برای مقابله با ویروس کرونا در شهریورماه اعلام کرد و گفت: با توجه به تردد زائران اربعین و افزایش مسافرت‌ها در روزهای پایانی تابستان لازم است همه مردم شیوه‌نامه‌های بهداشتی را با جدیت بیشتری رعایت کنند.

۲۲

رئیس سازمان بهزیستی کشور:

### معلولان دهک دهمی معنی برای دریافت «یارانه» ندارند

۲۲

علی سلاجقه در نشست خبری خود با خبرنگاران تشریح کرد

### دریاچه ارومیه چطور بار دیگر جان می‌گیرد؟

۱۷

۳۰ فوتی و شناسایی ۵۲۲ بیمار جدید کرونا در کشور

### شیب کرونا نزولی شد

۲۲

«ایران» از افزایش مصرف «گل» در گروه سنی نوجوانان و لزوم نظارت بیشتر خانواده‌ها گزارش می‌دهد

## گل، دروازه ورود به مواد مخدر هولناک‌تر

صفحه ۲۲ را بخوانید

انتشار دو کتاب تازه از مصطفی رحماندوست	۱۲۰۰ کشته در سیل بی سابقه پاکستان	دستگیری کیف قاپان موتور سوار	موافقت هیأت دولت با حفر حلقه چاه آب اضطراری در همدان
۲۳	۱۹	۱۹	۱۶

بازار مسگرهای تهران سرچایش است اما آدم‌هایش دیگر نیستند. الان برای ما حفظ کردن همین مغازه هم مشکل است و احتمالاً تا ۵ سال آینده همین سه مغازه هم جمع خواهد شد و تابلوی می‌ماند و پس



درحالی که قبلاً مس تهران اتحادیه‌ای جداگانه داشت. الان برای ما حفظ کردن همین مغازه هم مشکل است و احتمالاً تا ۵ سال آینده همین سه مغازه هم جمع خواهد شد و تابلوی می‌ماند و پس، بازار مسگرها بر سرگذر می‌ماند و پس، مغازه آقای دستمالچی که در دالانی درون یک کوچه قرار دارد هم حال و هوایی شبیه دو مغازه دیگر دارد. نماینده دستمالچی‌ها می‌گوید: «بازار مسگرها سرچایش است اما آدم‌هایش دیگر نیستند. ما برخلاف دو مغازه دیگر مس فروش هنوز سفارش کارهم قبول می‌کنیم و نمی‌گذاریم نام مس و مسگر فراموش شود. یادتان باشد نباید نام مسگر فراموش شود». دختر جوانی دنبال دستبند مسی آمده که شنیده مغازه آقای دستمالچی دارد چون هم قشنگ است و هم برای سلامت مفید است.

در چهارسوق بزرگ که راه می‌روی، فقط لباس فروشی می‌بینی و باربرهایی که عجله دارند، آدم‌هایی که تندتند راه می‌روند و لباس‌هایی که از در و دیوار آویزان شده است. البته سه مغازه مس فروشی هم هست؛ سه مغازه‌ای که هیچکس نمی‌داند تا چند وقت دیگر چراغ‌شان روشن خواهد ماند.

هرکدام ۴۰ هزار تومان می‌خرند و به همین رضایت می‌دهند. زن‌ها که از مغازه می‌روند، آقای قاسم‌زاده حرف‌هایش را ادامه می‌دهد: «حدود ۲۰ سال است مسگری نمی‌کنم. الان کسی هم حوصله سرو صدا ندارد. مردم قبلاً گوش‌هایشان را می‌گرفتند و از اینجا رد می‌شدند. صد تا مغازه مسگری اینجا بود. خارجی‌ها می‌آمدند عکس می‌گرفتند. صفا داشت. اصلاً نمی‌توانی تصور کنی چه شکلی بود. دیگر آن زندگی‌های سنتی و قشنگ تمام شد. همه دوستان من مغازه‌های‌شان را اجاره دادند و رفتند. بدجوری در این بازار تک افتاده‌ایم. ما دیگر عادت کرده‌ایم تک افتاده باشیم و با کم و زیادش بسازیم. اصلاً بازار مثل سابق نیست. یک قابلمه می‌خریدی می‌شد صد تومن، صد تا تک تومن...ها! الان مس کیلویی یک میلیون و دویست و پنجاه هزار تومن است و یک قابلمه ۴ نفره هفتصد-هشتصد هزار تومان در می‌آید. معلوم است کسی در این شرایط مس نمی‌خرد.»

عباس دولت‌زاد در مغازه مس فروشی آقای اشتیاق نشسته است؛ حجره‌ای پر از نور و مس. او می‌گوید: «پدر و پدربزرگم هم در بازار مسگرها کار کرده‌اند. ما هم سازنده بودیم؛ هم تولیدکننده هم فروشنده. اما بیست سال پیش قیمت مس یک‌باره بالا رفت و قلع هم خیلی گران شد. قدرت خرید مردم کم شد و مس هم کم‌کم فراموش شد. این شد که آلومینیوم و استیل جایگزینش شد. در صورتی که مس خاصیت دارد و برای بدن مفید است. تازه چند سال است میز بنشینند و شغل‌های راحت‌تری از عطاری‌ها و پزشکان سنتی سفارش می‌کنند که حتماً در ظروف مسی آب بخورید و مردم اهمیت بیشتری به مس می‌دهند اما هنوز هم مس خیلی گران است.»

او کمی از وارثان این حرفه می‌گوید: «پدران ما به این کارعشق می‌ورزیدند اما بچه‌های امروزی دوست دارند پشت میز بنشینند و شغل‌های راحت‌تری انتخاب کنند. قدیمی‌ها عاشق این کار بودند. مس‌سازی و مس فروشی کار سخت و پردردسری است. بیشتر قدیمی‌های این رشته به رحمت خدا رفته‌اند. ورنه هم اغلب ملک‌شان را



علی مصطفی / ایران



از بازار مسگرهای تهران تنها تابلویی بر سر گذر مانده است

## آواز خاموش چکش‌ها

ترانه بنی‌یعقوب گزارش‌نویس

روزگاری نه چندان دور یکی از جاذبه‌های اصلی بازار تهران برای گردشگران خارجی و داخلی همنشین رنگ، بو، صدا و مزه بود. حالا نه کسی دارچین و هل می‌کوبد تا بازار در بوی خوشش غرق شود و نه رنگ‌ریز مانده تا با کالاف‌های رنگ شده چشم‌ها را نوازش دهد و نه چکش و قلمی که با ریتم رباعی و دوبیتی بر مس فرود آید. برخی پزشکان سنتی این روزها مردم را به استفاده از ظروف مسی تشویق می‌کنند. شاید این گونه گذر کسی به راسته مسگرها در بازار تهران بیفتد. هر چند در این بازار دیگر از هیچ مسگری خبری نیست و تا چشم کار می‌کند مغازه لباس فروشی می‌بینی و به قول سه مس فروش بازار، بدجوری تک افتاده‌اند و همچنان تلاش می‌کنند، سنگ‌را حفظ کنند و چراغ حجره را روشن نگاه دارند.

آقای شیرازی توی مغازه است. کاسه بشقاب‌های مسی را جابه‌جا می‌کند و از وضع بد بازار گلایه می‌کند.

می‌گوید شاید آنها هم بزودی مجبور شوند، مغازه را جمع کنند: «فروش ما گذری است و کار ما هم زینتی شده. کسی که پولش را داشته باشد سراغ ما می‌آید. کم پیش می‌آید کسی بگوید بروم پارچ مسی بخرم و تویش دوغ بخورم. لباس و غذا نیست که آدم مجبور باشد حتماً برایش هزینه کند. ما هم بزودی خسته می‌شویم و می‌بندیم. مغازه‌ای که ۶۰ سال است چراغش روشن بوده و هر روز از ساعت هشت صبح باز است الان ساعت یک بعد از ظهر اولین دشت را می‌کند؛ مغازه‌ای که اجاره‌اش ماهی ۱۴ میلیون تومان است. ما در این حد حتی فروش نداریم که بگوییم سود هم می‌کنیم.»

آقای شیرازی ۹۰ ساله و بیمار است و نوه‌اش و آقای قاسم‌زاده مغازه او را می‌گرداند. پیرمرد که عمری را در این حرفه گذرانده به دفاع از این کسب و کار قدیمی می‌پردازد: «می‌دانی جوان‌ها نباید اتقدر زود ناامید شوند،